

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

پنجشنبه ۰۵ سپتمبر ۲۰۲۴

روانشاد پوهاند عبدالحی حبیبی

اماکن آریانا

و نزدیکی های آن در منابع چینی از قرن ۱۳ - ۱۷ م

یک تن طبیب سفارت روسی در اواخر قرن ۱۹ در پیکن قیام داشت که نام او بریچ نایدر E.BRETSCHNIDER.M.D. بود، وی علاوه بر طبابت، مرد پژوهنده دانشمندی بود، که در جغرافیای قدیم بلاد و اماکن آسیای وسطی پژوهش و جست و جو کردی.

نتیجه تحقیقات و مطالعات این طبیب پژوهنده در کتابی بنام MEDIAEVAL RESEARCHES یعنی جست و جوها در منابع غربی آسیایی قرون وسطی از قرن ۱۳ تا ۱۷ م فراهم آمده، که در دو جلد در سنه ۱۸۸۷ م از لندن بوسیله کیگن پاول کمپنی طبع و نشر شده است.

این کتاب در سنه ۱۳۳۸ ش بنظر آمد و آنچه برای تاریخ و جغرافیای قدیم افغانستان مفید و کار آمد بود یادداشت شد و اینک همان یادداشتهای برای تعمیم فایده به مجله وزین آریانا سپرده میشود :

(۱) سین - اباسیند و هند :

تیندو TIEN-DU بزبان چینی نام هند است، که از قرن اول میلادی رواج دارد، زیرا درینوقت بودیزم از هند (از راه افغانستان) به چین آمد (بنگرید : تاریخ HAN-CHAP ص ۱۱۸) اما قبل از آن عصر نام هندوستان در چینی SHIN-DU بود، که ظاهراً از SINDHU سنسکریت گرفته شده و معنی آن دریاست.

در سالنامه چینی ۱۲۰ ق . م نام دریای سندھ را برای هند بعد از لشکرکشی جنرال چانگ - کین بری آسیای غربی استعمال کرده اند. وی بر کشور SIND-DU راپور سماعی دارد. اما مؤلفان چینی عصر منگول عموماً هندوستان را HIN-DU-SZ گویند. (بنگرید: سالنامه یو ای - شی ۱۲۵۳) یا IN-DU در حصه اول که غالباً این نامها را از اصطلاح فارسی هندوستان گرفته بودند (ج ۲ ص ۲۵).

در منابع چینی عصر چنگیز، وقتیکه جلال الدین خوارزم شاه به دریایی سنده میرسد این نام SHIN است. در سرگذشت فا - هیان راهب بودائی چینی که هند را در ۴۰۰ سفر کرده این نام SIN-DU خوانده میشود و هیون - تسنگ در قرن هفتم SIN سین مینویسد. (ج ۱ ص ۲۹۰) (شین یا سین همین کلمه سند مستعمل کنونی پبنتوست که د کابل سین و اباسین و غیره گویند، و معلومت که در عصر هیون - تسنگ نیز مستعمل بوده که او شنیده است. "حبیبی")

(۲) بدخشان BA-DA-HA-SHANG :

این سرزمین در زمان قدیم راه معروف تجارتي بود، که بالای کوهها میگذشت و تیان شان را با قراقرم پیوست میکرد و از سطح مرتفع پامیر نیز عبور مینمود و کاشغر را به خراسان می پیوست و گاهی همین کوهستان را بولرتاغ میگفتند که زایران چینی از آن میگذشتند.

از قرن ۲ ق . م جغرافیون چینی آنرا بنام TS-NAG-LING (کوه پیاز) نامیده اند. در قرون وسطی راه بالای پامیر و بدخشان از امروز خیلی اهمیت داشت و مارکوپولو از آن گذشته و بدخشان را با سطح مرتفع پامیر دیده و ذکر کرده است (ج ۱ ص ۱۶۵ - ۱۸۱) نام بدخشان در شاهنامه فردوسی هم بنظر می آید. ابن حوقل و ادریسی و ابوالعزایم از آن ذکر ها دارند که در ماورای تخارستان واقع بود.

چینیان هم از زمان قدیم بدخشان را می شناختند، در قرن ۵ و ۶ م آنرا با TU-HO-LO یعنی تخارستان یکجا ذکر کرده اند و راه بالای کوه TS-VUNG-LING را می شناختند.

نام بدخشان در سفرنامه هیون - تسنگ هم در حدود ۶۳۰ م آمده که مملکت PO-TO-CHANG-NO در حصه علیای آمو دریا بود و ظاهراً همین بدخشانست. در یوان - شی نام BA-DO-HA-SHANG نیز در لست سی . پای . تی دیده میشود. (۲ - ۶۵)

(۳) کابل KOB OVPA :

در نقشه قدیم چینی بجنوب غرب بدخشان نشان داده شده که ظاهراً همین کابلست. به عقیده ریتراين همان KOB OVPA بطلیموس (آسیا ج ۵ - ۲۳۷) چینیان این شهر را از زمان قدیم می شناختند، ریموزات REMUSAT در کتاب (وسعت امپراتوری چین) کشوری را بنام کاو - پو در تاریخ تانگ ذکر کرده و آنرا با کابل تطبیق میدهد.

ریتز نام چینی KI-PIN را که در تانگ چو آمده عبارت از کابل می شمارد، و این سرزمین غربی را چینیان از قرن ۵ می شناختند و همانست که آنرا KOPHENE گفته اند، در حالیکه ریموزات عقیده دارد که کی - بن عبارت از قندهار است.

در سالنامه چینی وقایع این کشور طوری ذکر شده که باید در ماورای کوهستان بولر TS, UNG-LING واقع باشد. (ج ۲ ص ۶۷)

(۴) غزنه KO-DSI-HING :

زایر چینی هیون - تسنگ در قرن ۷ م شهر HO-SI-NA را پایتخت شاهی TSAO-KO-CHA میدانند، که هر دو نام در تاریخ تانگ هم مذکور اند و سنت مارتن هو - سی - نه را غزنه میدانند. (۶۸/۲)

(۵) بامیان BA-MOU :

در نقشه قدیم ذکر نشده، فقط در فهرست سی - پای ذکر گردیده که شهری بود در شهنشاهی ابو سعید شاه تیموری، و این شهر بیست که چنگیز در سنه (۱۲۲۱ م) آنرا تخریب کرد.

(۶) بست BU-SZ-TE :

در نقشه قدیم چینی بجنوب غرب غزنی واقع و عبارت از همین بست کنار هلمند است. این شهر در اوستا ASBESTE بود که بقول ریتر (آسیا ۴ - ۶۴) نزدیک گرشک است و ابوالعزا آنرا بین هرات و غزنی برکنار هلمند قرار داده است (۱۰۸/۲).

در تسنگ - چنگ - لو (۲۹۳/۱) میخوانیم که چنگیز در بهار ۱۲۲۳ م با لشکر خود بطرف شمال حرکت کرده و با دریای SIN (اندوس) بالا رفت، و شهزاده سوم، به شهر BO-SI-SZ-DAN رسید و خواست که باجارت چنگیز بران حمله نماید، ولی چنگیز پسرش را سبب گرمی هوا باز خواست.

درینجا مقصد مؤرخ چینی همین بست و سیستان است. در یو - ان چو و پی شای آمده که تولوی پسر چهارم چنگیز بر سیستان حمله نموده بود. (۹۷/۲)

(۷) تالقان TA-LI-GAN :

نام این شهر تخارستان را جغرافیون عرب طایقان هم نوشته اند، مارکوپولو بعد از سفر ۱۲ روزه شرقی بلخ به تالقان رسید. هیون - تسنگ در ۶۳۰ م از سرزمین TA-LI-KIEN گذشته بود، که در سرحدات غربی PO-LO-SZ واقع بود، و ازین تذکار میدانیم که تالقان در غرب بلخ بوده و باید همان تالقان خراسان جغرافیون عرب باشد.

هیون - تسنگ در کتاب هفتم از دوازده کشور نام می برد، که از آنجمله ما این مواقع را شناخته می توانیم :

۱. AN-TA-La-PO اندراب.

۲. خوست، KUO-SI-TO.

۳. قندز HUA.

۴. کشم KI-LI-SI-MO.

که همه اینها به کشور قدیم تخارستان TU-HO-LO متعلق بوده اند اما هیون - تسنگ تالقان را در تخارستان نام نمی برد. سالنامه یو ان - شی فتح TO-LI-HAN را بدست چنگیز و تولوی در ۱۲۲۲ م ذکر کرده است. (۹۹/۲)

(۸) تخارستان :

نام قدیم آنرا توخاری، جغرافیون یونان سترابو و بطلموس و پلی نیوس آورده اند که بر سرزمین آموی علیا مشتمل بود. جغرافیا نگاران عرب آنرا سرزمین بین آموی علیا و هندوکش دانند و گاهی بدخشان نیز در آن شامل بود. تایقان (تالقان) و خلم و بغلان و اندراب از شهرهای تخارستان بوده اند.

نام TO-HUO-LO یعنی تخارستان در سالنامه چین در قرن ۵ م در احوال WEI شمالی و هم در تاریخ تانگ دیده می شود که در غرب کوهسار TSUNG-LING و جنوب دریای و خش WU-HU واقع بود و چینیان همان عصر آنرا کشور TA-HIO عصرهان گفته اند. در قرن ۷ - ۸ م از کشور TA-HUO-LO مکرراً سفیرانی بچین فرستاده شده بودند.

هیون - تسنگ هم بسا کشور تو - هو - لو را یاد میکند که از شمال تا جنوب هزارلی و از شرق بغرب سه هزارلی وسعت داشت و بشرق آن کوهسار TSUNG-LING واقع بود، و در غرب با PO-LI-SZ می پیوست، که در جنوب کوهسار پر برف و در شمال دروازه آهنین بود.

(ج ۲ ص ۹۹)

(۹) بلخ BA-LI-HEI :

در یونانی بکتریاست که اسکندر فتح کرد و قرنها در تحت سلطه و کلتور یونانیان ماند، در سنه ۱۲۲۱ م چنگیز در آنجا قتل عام کرد. مارکوپولو باحترام از شهر بزرگ بلخ نام می برد، که در آن خرابیها تاتاریان نمایان بود و مردم بلخ باو گفتند که درین شهر اسکندر دختر داریوش را بزنی گرفته بود. چینیان از قدیم بلخ را می شناختند اما درین کشورهایی که در تاریخ هان - وی و غیره ذکر شده تعیین آن مشکل است.

ریموزات مملکت TA-HIA را که جنرال کین در سنه ۱۲۸ ق م بانجا رسیده بود همین باخترا میداند. که درینجا چانگ کین نخستین بار نام هند را شنیده بود.

هیون - تسنگ در تفصیل ممالک غربی، کشور FO-HO-LO را ذکر میکند که از شمال بدریای FO-TSU (اکسس - آمو) می پیوست و سنت مارتن FO-HO-Lo را بلخ میداند که فو قبلاً بو هم تلفظ میشد.

در یو ان - شی بلخ بارها مذکور است. در سالنامه ۱۲۲۱ م فتح BAN-LE-HO بدست چنگیز شرح شده و در بیان حال سبوتای نام آن BI-LI-HAN است. در بیوگرافی HO-SZE-HAI-LI به شکل A-LA-HEI آمده و یانگ - شی گوید که BAN-LE-HO شهر بزرگ آسیای غربیست. چانگ چون در راه خود از سمرقند به هندوکش از شهر BAN-LI گذشت که همین بلخ باشد. (۱۰۰/۲)
(۱۰) آمو WU-HU :

ظاهراً همین اکسس و جیحون است که تانگ - شو در شرح تخارستان و HO-LI-BI-MI (خوارزم) نام آنرا آورد. هیون - تسنگ همین نام را ذکر کرده و گوید که از خوارزم و تخارستان دریای FO-TEU می گذرد، و این هر دو نام چینی برای وختش است که بعقیده کنل یول YULE (در کتاب خطای) کلمه اکسس هم از وختش بر آمده است، که آنرا آمو هم گفتندی، و بقول کارترمیر در کتاب منگولان ۱۴۱ نام آمو از آمل گرفته شده و سیاحان چینی در عصر منگول نام اکسس را AMU یا ANLU نوشته اند. (ت ۶۲/۲)
(۱۱) نیشاپور NAI-SHA-BU-RH :

در فهرست سی، پای تی آمده، ولی در نقشه قدیم چینی تعیین نشده. یو ان شی آنرا در حین فتح تاتار ذکر میکند. در سالنامه ۱۲۲۱ م نام آن NI-CHA-WA-RH است (حصه ۲) در بیوگرافی شهزاده اویغور NI-SHA-BA-LI و در بیوگرافی هو می مای لی در یو ان شی (فصل ۱۲۰) NI-SHA-BO-RH مذکور است که در سنه ۱۲۲۱ م چنگیز آنرا ویران نمود.
این شهر بنام NISBEA در آثار یونان و رومن ذکر شده که در اوستا NICALA بود. (رینتر : آسیا ۵۶/۴) (ج ۲ ص ۱۰۱)

(۱۲) طوس TU-SZ :
این شهر در نقشه قدیم چینی بطور غلط خیلی دور در شرق بلخ نوشته شده در حالیکه پایتخت خراسان بود، و خلیفه هارون الرشید در ۸۰۹ م دران مرد و فردوسی ازینجا برخاست.
در سالنامه یو ان - شی ۱۲۲۱ م فتح طوس بدست JO-LEI مذکور است. (۶۵/۲)
(۱۳) ترمذ TE-RH-MI :

در نقشه قدیم چین ترمی به شمال بلخ دیده میشود که مؤلفان چینی اولتر آن را هیون - تسنگ در قرن هفتم ذکر کرده وی گوید که: TA-MI بر کنار دریای بزرگ (ONUS) FO-TSU واقعست و با TU-HO-LO (تخارستان) پیوسته است.

در سالنامه کانگ- موی چین گوید که : TIE-LI-MI را چنگیز گرفت و این نام در یو ان - شی در شرح حال سی - فا - لا - های نیز TIE-LI-Ma مذکور است. (۶۴/۲)
(۱۴) سرخس SA-LA-HA-SI :

این نام صرف در سی - پای - تی دیده میشود ولی بر نقشه قدیم پدیدار نیست. يك شهرك بدین نام تاکنون در جنوب غرب مرو بر کنار هریرود واقعست، در یو ان - شی گوید که : SI-LA-SZ را در سنه ۱۲۲۱ م تاتاریان فتح کردند که همین سرخس یا مرو چاق خواهد بود.
خرابه های سرخس قدیم حالاً بر کنار شرقی هریرود در خاک روسیه است ولی سرخس جدید بر جانب مقابل آن در خاک ایران واقعست. (۱۰۲/۲)
(۱۵) مرو Ma-LI-WU :

در نقشه قدیم چینی جنوب بخارا افتاده و جائیست که در اوستا هم مذکور است. (ریتر : آسیا ۴ - ۵۲) مؤرخان یونانی آنرا MARGIANA نوشته اند.
یو ان - شی از هر دو مرو زکری دارد که در سنه ۱۲۲۱ م تولوی این شهر MA-LU-CHA-YE-KO-MA-LU و SI-LA-SZ را گرفت و شهر اول الذکر مرو چاق و دومین مرو الرود است (ریتر ۲۲۹) مروچاق تاکنون بر کنار مرغاب در ۱۱۰ میلی جنوب شرقی مرو کاین ست. (۱۰۴/۲)
(۱۶) هرات HEI-LU :

بقرار سالنامه چینی در فیبروری ۱۴۰۵ م شاهرخ از هرات سفارتی بچین فرستاد و هم سفیر چینی به سمرقند و هرات رفت. وی هرات و دیگر بلادیکه از آن گذشته بود می ستاید و راپور دیدار او در تاریخ مینگ موجود است^(۱).

در مجموعه YE-HU-PIEN منتشره ۱۶۰۶ م فصل ۴ گوید که این سفیر از بازگشت ایران بهرات آمد، که نامش AN-CHI-TAO بود سفیر دیگر چینی بغرب CHEN-CHENG نامداشت که در سنه ۱۴۱۵ م (ممالک غربی) SI-YU را دید، که ذکر وی در تاریخ مینگ (فصل ۳۳۲) آمده، وی در بازگشت خود بلاد ذیل را دید :

سمرقند SA-MA-RH-HAN

هرات HA-LIE

TIE-LI-MI	ترمز
BU-HUA-RH	بخارا
AN-DU-HEI-HUAI	اندخوی
BA-DA-HEI-SHANG	بدخشان

(ج ۲ ص ۱۴۷)

هرات را HA-LU هم گفته اند که ۳۰۰۰ لی در جنوب غرب سمرقند و از سرحد بفاصله دوازده هزارلی دور افتاده است و یکی از ممالک بزرگ SI-YU است. هنگامیکه تیمور از خاندان YUAN منگول در سمرقند حکمرانی داشت فرزندش شاهرخ را بدان شهر فرستاد.

در سنه ۱۳۹۵ م دو نفر سفیر بنام AN و KUO-KI به ممالک غربی از چین ارسال شدند که ۱۵۰۰ نفر سپاهی چینی را بحفاظت ایشان فرستادند ولی تیمور آنها را در سمرقند بازداشت. در سنه ۱۳۹۶ م هم امپراتور چین سفیری دیگر فرستاد که آنهم برنگشت. در سنه ۱۴۰۳ م چون ینگ - لو بر تخت نشست، وی مکتوبی را با يك نفر مامور بدربار شاه HA-LEI فرستاد، ولی از هرات سفیری فرستاده نشد.

در سنه ۱۴۰۷ م NA و CHEN-TEWEN بچین باز گشتند، اخیرالذکر که از ولایت چوان تنگ بود راپور داد که ها - لی پادشاه هرات هدایایی را بدربار چین فرستاده بود، که بسبب بعد مسافه آنرا رسانیده نتوانستند. این شخص اطلاعات خود را بشعر سروده و بحضور امپراتور تقدیم داشت، که خیلی پسندیده واقع گردید.

در سنه ۱۴۰۸ م باز AN را با يك وفد از چین بغرب فرستادند وی هدایا و نامه هایی را بدربار شاهرخ بهادر آورد و مقابلتاً سفیری از هرات بچین رفت و از دربار چین با هدایا همراه وی بهرات آمد که جغرافیای مینگ نام این سفیر چینی را MA-LEI می نویسد (بعد از این شرح سفر او تا مضمون نامه دربار هرات آمده است).

جغرافی مینگ گوید : که هرات HA-LIE سلطنت نیرومند غرب SI-YU است و شهر هرات ۱۰ لی محیط دارد بنای خانهای آن از سنگ و خیلی عالیست و شهر عبارت از ده ها محله و کوچه است که دروازه ها و کلکین های آن خیلی زیبا و جالبست که به طلا و سنگهای ثمین مرصع باشد. پادشاه خود را سلطان SO-LO-TAN گویند، که معنی آن در چینی KUN-CHANG (حکمرانی اعلی) باشد، مردمان شهر سر می تراشند و لباس سپید می پوشند. و زنان سرهای خود را با چادر می پوشانند که برای چشم راهی دارد. لباس سپید در آنجا پوشاک مسرتست و لباس سیاه برای حزن و اندوه. در اوقات مخاطبه بزرگان و کوچکان هر دو یکدیگر را بنام مخاطب سازند و در حین

کورنش(کرنش) کمر خود را خم ساخته و سه بار زانو میزنند. در خوراک قاشق چوبی را استعمال کنند، به خزانه شاهی مالیات می پردازند و سکه بنام و طغرای شاهی است. چیزهای مایع و جامد به پیمانہ فروخته نمیشود، بلکه بوزن میفروشد.

در هرات يك دفتر عمومی بنام دیوان DAO-WAN موجود است جزاهای سنگین داده نمی شود در مقابل قتل فاعل را جریمه میکنند^(۲) و مطابق برواج ایشان دو خواهر زنی یکشخص آمده میتواند^(۳) (۴) که در چین جایز نیست. عزا داری تا صد روز ادامه دارد و مرده را با تابوت دفن نمیکنند، بلکه در لباس می پیچانند^(۴) و بر تربت او قربانیها میدهند^(۵). قربانی ایشان برای اسلاف و ارواح طیبه و خبیثه نیست، بلکه برای وصول به جنت دعا میکنند و نماز میخوانند^(۶).

در بین شهرهات عمارت بزرگی از گل موجود است که آنرا مدرسه گویند و در آن ظرف بزرگی از نماس افتاده^(۷) و خطوطی را بران کنده اند که مشابه با ظرف قدیم چینی TING باشد که شرح آن در مینگ- شی آمده است.

در SHI-SI-YU-KI که منبع اصلی جغرافی مینگ است میخوانیم:

که در بین مدرسه هرات خانه بزرگست که در بین آن طلبه سیار YO-HIO زیست کنند و در چار طرف آن اتاقهای بر آمده دار مسکن طلبه است. درین مدرسه ارباب ذوق علمی و ادبی مانند پوهنتون TO-HIO چینی تربیه میشوند. مردم هرات زندگانی خیلی لکس دارند و درین شهر شاطرهایی اند که روزی تا ۳۰۰ لی دویده میتوانند و سرزمین آن خیلی سرسبز است، اقلیم گرم دارد، باران آن کمست، و نمک سپید، مس، آهن، زر، نقره، شیشه، مرجان، عنبر، لولو در آن فروخته میشود، مردم آن در پرورش کرم پيله و ابریشم ماهرند، و پارچه های گوناگون از ابریشم سازند. که نام یکی از آن ها SO-FU بوده و انواع فرشهای آن خیلی نفیس است که رنگ آن زائل نمیشود.

درختان توت، نارون، بید، اکاسی، صنوبر و سرو در آن میروید.

از میوه ها شفتالو و زردالو و آلو گلابی و انار و انگور و بادام دارد و هم ارزن و گندم و شاهدانه و لوبیا و غیره در آن میروید. و نوعی شلغم بزرگ روغنی بوزن ده کین در آن جا دیده شده است. حیوانات اهلی هرات اسپ، گاو، گوسپند، ماکیان است. شیر و پلنگ هم دارد، و شرقاً به آن -

دو - هوای (اندخوی) و بلخ پیوسته است که هر دو تابع آند. (۲ ص ۲۷۸ - ۲۹۰)

(۱۷) چینیان و اوائل خروج عرب :

چینیان نخستین بار در عصر امپراتور WE-TI (۱۴۰ - ۸۶ ق.م) باکشورهای غربی آسیا آشنا شدند، در سنه ۱۲۶ ق. م جنرال چینی چانگ - کین بعد از ده سال سفر ماوراء النهر به چین برگشت

و روابطی را با ممالک آسیا غربی قائم داشت، و بعد از آن روابط ذات البینی دوام کرد و چینیان با مسلمانان آشنایی یافتند.

چینیان خاندان پارتهی ARSACIDAI (۲۵۶ - ۲۲۶ ق م) را AN-BI می نامیدند. از اواسط قرن ۵ م ذکر کشور و مردم PO-SZ (فارس) در سالنامه‌های چینی آمده، چنانچه هیون -تسنگ در اواسط قرن ۷ فارس را PO-LU-SZ می نویسد و بعد از آن ذکر بسا سفرایی که از یولوز بچین آمده اند از قرن ۵ ببعده در تواریخ چین دیده میشود. در تاریخ TANG در باره YI-SZI-SZI (یزدگرد سوم) شاه آخرین ساسانی مقتول خراسان ۶۵۲ م ذکری آمده است. در آغاز طلوع اسلام خانواده تانگ (۶۱۸ - ۹۰۷ م) در چین معاصر عروج عرب بود که ایشانرا TA-SHI گفتندی (تازی) و اخبار بعثت محمدی ۲ مطابق روایات اسلامی در تواریخ چینی مذکور است.

در تانگ شو اخبار ارسال سفارت های دربار خلافت به چین در قرنهای ۷ - ۸ م آمده که از طرف خلفای اسلامی و امیر المؤمنین HAN-MI-MO-MO-NI و ابوالعباس ABO-LO-BO و ابو جعفر A-PU-CHA-FO و هارون الرشید A-LUN ارسال شده اند.

در تاریخ SUNG (۹۶۰ - ۱۲۸۰ م) ارسال ۲۰ هیئت سفارت اسلامی بچین از طرف TA-SHI آمده و این خانواده سنگ حکمران تمام چین نبوده، تنها بر شمال کین مستولی بودند.

بقرار گفته LIAP-SHI (فصل ۲) سفیر تازی در سنه ۹۳۴ م بدربار نخستین امپراطور خانواده LIAO رسیده بود. (۲۶۶/۱)

منابع معلومات چینی درباره کشورهای غربی :

۱. SI-YOU-LU یکفر وزیر چنگیز در فتوحات سرزمین های غربی و ایران با او همراه بود، که رویداد سفر خود را بنام فوق (یعنی رویداد سفر غرب) نوشت، که اصل آن اکنون موجود نیست ولی مختصر آن در مجموعه ضخیم آثار چینی باز طبع شده است.

۲. PEI-SHI-KI (نوتها از يك سفارت بشمال) رویداد مختصر سفر يك سفیر چنگیزخان به منگولیاست، که در ۱۴ باب از طرف LIE-KI در سنه ۱۲۹۵ م نوشته شده است.

۳. SI-YU-KI (سفرهای غرب) از قلم چانگ - چن که فردی از خاندان KIU و راهب TAOIST متولد ۱۱۴۸ م دریسهای بود که بدربار SUNG-KIN منزلتی رفیع داشت و چنگیز او را بدربار خود خواند. هنگامیکه چنگیز بطرف غرب لشکرکشی کرد، وی هم به آسیای میانه سفر نمود و بایران و مرزهای هند آمد، سفرش از ۱۲۲۱ تا ۲۴ م طول کشید. سی - یو - کی را خود چانگ چن نوشته بلکه لی - چی - چانگ یکی از شاگردانش که با او همراه بود نوشت و رویداد سفر خود رابطور

روزنامه‌چه فراهم آورد و دانشمند دیگر سن - سی آنرا نشر کرد و مقدمه آنرا در سنه ۱۲۲۸ م نوشت. ترجمه این رویداد از زبان چینی در کتاب طبیب سفارت روسی از صفحه ۳۵ تا ۱۱۱ موجود است.

۴. SI-SHI-KI بتاریخ ۱۳ فبروری ۱۲۵۹ م یکتن قاصد سیاسی بنام چنگ - تی از طرف منگوخان ببردش هولگو بسوی غرب فرستاده شد، که هولگو درین ایام بر بغداد یورش برده بود. قاصد از قراقرم و کشور کانسو حرکت کرد و از راه سمرقند به بغداد رفت. وی ذکری از کی - شی - می در شمال شرق YIN-DU (هند) دارد، که مردم آن بودائی بوده اند و هم شرحی از بلاد ایران و فتوحات تاتاریان در آن نوشته شده، که ترجمه آن در کتاب طبیب سفارت روسیه از ص ۱۲۲ تا ۱۵۶ طبع شده است.

۵. YE-LU-HI-LIANG نواسه بزرگ وزیر چنگیزی - لو - چو - تسای بود، که تا عصر او گتای برین منصب بود و مؤلف پولی است که در باب اول کتاب طبیب روسی ترجمه شده است. نام پدر هی - لیانگ CHU بود، که از صلبش در قراقرم بوجود آمد و بدربار منگوخان محشور گشت. چون منگو در سنه ۱۲۵۸ م نزدیک کوهستان لیو - پان - شان لشکرگاه داشت وی با او بود، و هم وی و پدرش در سفرهای جنوبی با منگو خان بوده اند. (۱۲۶۰ - ۶۲ م). چون هی - لیانگ بعد از ۱۲۶۳ م بچین رفت، راپوری درباره اوضاع مرزها نگاشت، که در ص ۱۵۷ تا ۱۶۳ کتاب طبیب روسی ترجمه آن موجود است.

۶. یو ان - شی YN AN - SHI تاریخ چین و خاندان منگول است که بتوجه مؤرخان چینی در احوال خاندان مینگ ترتیب شده و سه طبع دارد :

اول :- در سنه ۱۶۵۹.

دوهم :- در سنه اواسط قرن ۱۸.

سوم :- در قرن ۱۹.

در سنه ۱۷۳۶ - ۹۶ م یک کمیته علمای چین از طرف امپراتور KIEN-LING به ترتیب مجدد یو ان - شی و تحقیق و معانی نامهای مذکور در آن کتاب مامور شدند. که ۲۱۰ فصل و ۴ باب دارد.

(اقتباس از جلد اول کتاب طبیب روسیه)

این بود یادداشت های مختصر از منابع چینی، که در باره دوره های مختلف تاریخ و جغرافیای افغانستان در آن معلومات کار آمدی موجود است و کسانی که در تاریخ افغانستان مطالعه و تحقیق و کار میکنند، لابد ازین منابع استفاده خواهند کرد. زیرا در قطار منابع هندی و ایرانی و عربی و یونانی و ترکی و السنه دیگر اروپائی منابع چینی نیز اهمیتی بسزا دارند^(۸).

۱. همچنین هیئت سفارت در ۱۴۱۹ تا ۱۴۲۲ م از هرات بچین رفت که سفرنامه آن بقلم خواجه غیاث الدین نقاش ایلچی بایسنغر میرزا در زبده التواریخ حافظ ابرو و مطلع سعدین عبدالرزاق سمرقندی مندرج است. (ح)
۲. مراد دیت شرعیست. (ح)
۳. این خلاف حکم قران است و حقیقت ندارد. (ح)
۴. مراد کفن میت است. (ح)
۵. مراد ذبح گوسفند برای خیرات مرده است و بر قبر جایز نیست.
۶. مراد نماز جنازه و ادعیه دفن میت است. (ح)
۷. این ظرف اکنون در **مسجد جامع بزرگ** هرات افتاده است. (ح)
۸. مجله آریانا، سال ۱۳۵۵ ش، شماره ۴، ص ۱ - ۱۶.